

Solutions for compensating for moral damages in judicial decisions with emphasis on the views of Imam Khomeini

Aliakbar Jahani ^۱

Seyyed Mesbah Al-Hoda Jabbarzadeh ^۲

- 1- Assistant Professor of Jurisprudence and Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran.
- 2- PhD student in Jurisprudence and Law, Faculty of Theology, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Abstract.

One of the important issues in judicial decision-making is compensation for moral damages. The laws stipulate its necessity, but the methods for diagnosing, measuring, and compensating for it are not clearly specified, and until the consequences of moral damage are removed from the injured person, compensation for that damage seems necessary. Among contemporary jurists, Imam Khomeini has some theories about the causality and moral damages caused; according to his view, custom considers compensation for any damage that has been caused unjustly necessary. There will be no prohibition or obstacle in this regard from the wise legislator, and it has also been stipulated in jurisprudence, but compensation for these damages does not have a specific practical judicial solution. It seems that although complete compensation for moral damages is impossible, it is fair to take action to compensate for some of the pain and suffering of the injured person. If the judicial system adopts a solid judicial process regarding compensation for moral damages, it can take action to achieve the deserved rights of members of society by creating greater satisfaction and confidence. In addition to accepting that any harm caused to individuals can be compensated, this article presents solutions for diagnosing, measuring, and compensating for moral harm so that judicial decision-makers can easily refer to them and take action to compensate.

Keywords: Compensation for loss, moral damage, judicial decision, Imam Khomeini.

^۱ Aajahani110@yahoo.com

راهکارهای جبران آسیب‌های معنوی در تصمیمات قضایی

با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)

علی اکبر جهانی^۱

سید مصباح الهدی جبارزاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۱

چکیده

یکی از بحث‌های مهم در تصمیم‌سازی‌های قضایی جبران آسیب‌های معنوی می‌باشد. در قوانین موضوعه بر لزوم آن تصریح شده است اما راهکارهای تشخیص، سنجش و نحوه جبران آن بطور شفاف مشخص نشده است و تا زمانی که پیامدهای آسیب معنوی از شخص آسیب دیده برطرف نگردد جبران آن آسیب لازم به نظر می‌رسد. در میان فقیهان معاصر، امام خمینی درباره سببیت و آسیب‌های معنوی واره نظریاتی دارند؛ طبق دیدگاه ایشان، عرف جبران هر آسیبی که به ناحق وارد شده باشد را لازم می‌داند. هیچ نهی و مانعی در این باره از جانب شارع حکیم نخواهد بود و در فقه هم به آن تصریح شده است اما جبران این آسیب‌ها، راهکار عملی قضایی مشخصی ندارد. به نظر می‌رسد اگر چه جبران کامل آسیب‌های معنوی امری ناممکن است اما انصاف آن است که نسبت به جبران بخشی از درد و رنج فرد آسیب دیده اقدام شود. اگر دستگاه قضائی روند قضایی محکمی در خصوص جبران آسیب‌های معنوی اخذ کند، می‌تواند با ایجاد جلب رضایت و اطمینان بیشتری، اقدام به احقاق حقوق شایسته آحاد جامعه بنماید. این مقاله افزون بر پذیرفتن قابل جبران بودن هر آسیب وارده به افراد، راه‌حلی جهت تشخیص، سنجش و نحوه جبران آسیب‌های معنوی ارائه نموده تا تصمیم‌گیران قضائی به آسانی با مراجعه نمودن به آنها بتوانند اقدام به جبران نمایند.

واژگان کلیدی: جبران ضرر، آسیب معنوی، تصمیم قضایی، امام خمینی.



^۱ - استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
^۲ - دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۱- مقدمه

در موارد بسیاری، قوه قضائیه جهت برقراری حفظ نظم عمومی، تامین امنیت و ایجاد آرامش روانی جامعه، اقدام به جلب و بازداشت بسیاری از متهمان می‌کند که هنوز محکومیت آنان قطعی نیست. و گاهی برخی از این افراد پس از سپری شدن هفته‌ها، ماه‌ها و سال‌ها در زندان، سرانجام به پرداخت جزای نقدی و یا محکومیتی پایین‌تر از آنچه در بازداشت بوده‌اند محکوم گشته و یا گاهی به طور کامل، تبرئه می‌شوند.

در مواردی از این قبیل، اگرچه امعان نظر دستگاه قضائی در بررسی دقیق نسبت به این مهم و صدور احکامی همچون تخفیف، تبدیل و حتی تبرئه، جای تحسین دارد اما اگر بخواهیم حقوق تضییع شده محبوس بی‌گناه را بررسی کنیم با این سوال مواجه خواهیم شد که در مواجهه با چنین اشخاصی که مدتی از عمرشان را در بازداشت سپری کرده‌اند، و الان بعد از مدتی بی‌گناهی آنان محرز شده است، حاکمیت و یا محاکم قضائی، به عنوان مسبب این اشتباه، چه تکلیفی در قبال وضعیت این چنین اشخاصی دارند؟ آیا باید صرفاً به آزاد کردن این دسته از افراد از بازداشت یا زندان، اکتفا نمود؟ و یا اینکه باید به راهکاری معقول دست یافت تا آسیب‌های معنوی (نظیر چیزهایی که باعث آسیب و خدشه بر وجهه اجتماعی او گشته به نحوی که مثلاً کسب و کار یا درآمد و یا منزلت اجتماعی خود را از دست بدهد و گاهی حتی ممکن است شرایط طوری باشد که از قله تمکن و آسایش به چاه ذلت و فقر سقوط نماید. و یا آسیب‌های شدید روحی و افسردگی‌ها در اثر نحوه برخورد فامیل‌ها، دوستان و همسایگان برای او پیش آید. و از طرفی، فشارهای روحی و روانی که بر اثر همین تصمیم نادرست قضائی بر خانواده او وارد می‌شود و موجب درد و رنج او می‌شود) وارده بر این دسته از افراد جبران گردد؟

بی تردید هیچ وجدان بیداری نمی‌پذیرد که نتوانیم او را ملزم به جبران و پرداخت این دسته از آسیب‌ها بدانیم. زیرا جبران و ترمیم نمودن این آسیب‌ها در سلامت روانی آحاد جامعه نقش مهمی دارد و باعث تحکیم و توسعه سلامت روانی و پیشرفت جوامع مدنی خواهد شد. به نظر می‌رسد مشکل، نداشتن راهکاری مشخص و شفاف برای نحوه جبران این گونه آسیب‌ها است. زیرا اگرچه در قانون مدنی در خصوص شرایط مسئولیت مدنی و تحقق آن تحت عناوینی همچون اتلاف، تسبیب، سبب اقوی و غیره به عنوان مصادیق آن بحث شده اما در خصوص شیوه‌های جبران نمودن آن بحثی به میان نیامده و به همان قواعد پراکنده در موارد مختلف، اکتفا گشته است.

۱. تعریف ضرر در لغت و اصطلاح

ضرر در زبان و ادبیات فارسی به معنای: زیان، آزر، قابل نفع و سود، خلاف نفع، کمی و نقصان در چیزی ... آمده است و در ادبیات عرب نیز در معانی مختلفی از قبیل نقص، فسق، سوء الحال، العمی، المرض، الهزل، الایذاء، العله ... بکار می‌رود. (دهخدا، ۱۹۸۴: ۹/۱۲۳۷)

هرجا نقصی در اموال سبب شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی، لطمه ای وارد آید، می‌گویند ضرری به وجود آمده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۱۹). عاطف نقیب در تعریف آن می‌گوید: «هر گونه لطمه به حقی یا حقوق انسان یا مصالح شرعی او را، ضرر می‌نامند.» (عاطف نقیب، ۱۹۸۴، ص ۲۵۵).

جعفری لنگرودی در تعریف اصطلاحی ضرر می‌گوید: «ضرری که به عرض، شرف و حیثیت متضرر یا نزدیکان او وارد می‌شود همچون افشای راز بیمار، ضرر معنوی است» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۸: ۴۱۷). همچنین نجم جبران (از حقوقدانان برجسته دنیای عرب) می‌نویسد: «ضرر معنوی، ضرری است که بر حسن شهرت و اعتبارات و معنویات انسان وارد می‌شود، نظیر توهین، عیب جویی، مذمت و بدگویی و همچنین تالمان ناشی از اقدام قضایی، مانند طرح دعوی نیز ضرر معنوی، شمرده می‌شود» (نجم جبران، ۱۹۸۱: ۲۶۳).

هرچند عده ای هم معتقدند که ارائه بیان روشنی از تعریف آسیب و ضرر معنوی آسان نمی‌باشد. زیرا معنویت و آسیب، دو مفهوم کلی و فراگیر هستند که از حیث ملاک‌های معنوی، قابل بیان و تحلیل، نمی‌باشند (محقق داماد، ۱۳۷۵: ۱۲). اما با توجه به نظرات بالا در تعریف ضرر و آسیب معنوی می‌گوییم؛ زبانی که به سرمایه غیر مادی انسان وارد می‌شود یا آسیبی که به احساس، عواطف، کرامت نفس، موقعیت خانوادگی، شغلی و یا منزلت اجتماعی او وارد می‌شود و موجب تآثر درونی و کاهش اعتبار و ارزش او شود، آسیب و ضرر معنوی است.

۲. جواز مطالبه آسیب‌های معنوی

علاوه بر قرآن که در برخی از آیات به منع ایراد آسیب (اعم از مادی و معنوی) اشاره نموده است: «لَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ» و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند» (بقره، ۲۸۲). در مصادر روایی ما نیز به آن تصریح شده است که از جمله آن، روایت زراره از امام محمد باقر (ع) راجع به داستان سمره ابن جندب که به روایت لا ضرر مشهور است. (شیخ حر عاملی، ۱۳۹۷: ۱۷ / ۳۴۱) و روایت ابی‌الصالح کنانی از امام جعفر صادق (ع) که در مورد مسئولیت ناشی از آسیب رساندن به مسلمانان، بیان گردیده است که امام (ع) می‌فرمایند: «هر شخصی که چیزی را در طریق مسلمین قرار دهد و موجب آسیب دیگران گردد، ضامن ضرر وارده می‌باشد» (شیخ حر عاملی، ۱۳۹۷: ۱۷ / ۳۴۱).

در میان فقهاء عظام، امام خمینی به طور خاص به مساله آسیب‌های معنوی و تالمات روحی، توجه داشته‌اند. از دیدگاه ایشان، امعان نظر در موارد استعمال واژه و مفهوم ضرار در آیات و روایات و نیز ماجرای سمره بن جندب بیانگر همین مطلب است، زیرا طرح شکایت مرد انصاری این بود که سمره بدون کسب اجازه و سرزده وارد خانه او می‌شود و اهل منزل او را، مشاهده می‌کند و این موضوع، او را آزرده می‌نماید (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۷۰). امام خمینی در مقام نتیجه‌گیری می‌فرمایند: این که حدیث لا ضرر و لا ضرار در مسند احمد بن حنبل به روایت عباده بن ثابت در ضمن قضاوت‌های پیغمبر (ص) بیان شده است به این تعبیر

که «و قضی ان لا ضرر و لا ضرار»، نشان می‌دهد که این حکم ظاهراً از جمله احکام قضایی است که پیغمبر (ص) در مقام قضاء صادر کرده‌اند. ولی باید دانست که پیغمبر (ص) واقعا در مقام مخاصمه و قطع مرافعه بین مرد انصاری و سمره بن جندب چنین حکمی نداده است؛ زیرا اصل زمین یا درخت خرما، محل نزاع بین انصاری و سمره نبوده و در مالکیت آن خصومت و تردیدی وجود نداشته است، بلکه مرد انصاری شکایت داشت که سمره با طرز رفتارش باعث مزاحمت برای خانواده او شده و آسایش را از آنان سلب کرده و به پیغمبر (ص) تظلم نمی‌کرد تا میان آنان قضاوت کرده، صاحب حق را مشخص کند، بلکه از این نظر که پیغمبر (ص) حاکم بر مسلمین و رئیس و زمامدار آنان بود عرض حال کرد تا از او رفع ظلم و تعدی کند (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱/ ۵۱).

بنا بر تعریفی که از قضاء شده است: «قضا این است که قاضی فصل خصومت کند بین دو نفر که اختلاف دارند» (رشتی، ۱۴۰۱: ۲۹/۱). در می‌یابیم که این حکم، یک حکم قضایی به معنای فقهی کلمه نیست؛ هر چند در ظاهر امر، و خصوصاً با توجه به طرز نقل حدیث و تبویب تاریخی آن، به ذهن چنین می‌رسد.

با توجه به مطالبی که بیان شد، راه حل آن است که حکم مذکور را از جمله احکام حکومتی و اجرایی پیامبر اسلام (ص) محسوب کنیم. به این ترتیب، مفاد جمله این می‌شود که پیغمبر (ص) در مقام حکمرانی با بیان فوق به عنوان یک قانون حکومتی، مردم تحت زعامت خود را از ایراد ضرر و آسیب رساندن به یکدیگر، منع فرموده که البته اطاعت از این فرمان بر مسلمانان، فرض و لازم است. طبق دیدگاه امام خمینی هرگاه بر اثر تقصیر یا اشتباه شخصی، آسیب مادی یا معنوی متوجه شخص گردد، فرد مقصر، ضامن است و باید از عهده خسارت، بر آید.

آنچه به نظر می‌رسد این است که خلاصه معنای حدیث لا ضرر ان است که ضرر در شریعت اسلام، مشروعیتی ندارد، ولی عدم مشروعیت ضرر، هم شامل مرحله قانون گذاری و هم شامل مرحله اجرای آن می‌شود. به بیان روشن تر، پیامبر اسلام (ص) با بیان جمله «لا ضرر

و لا ضرار فی الاسلام»، وجود ضرر را در محیط تشریح و قانون گذاری، معدوم اعلام کرده و بنابراین، همان طور که کلام پیامبر اسلام (ص) حکایت از مرحله انشای قوانین دارد، در مرحله اجرایی یعنی در موارد خاص، روابط اجتماعی مردم با یکدیگر نیز چنانچه عملی منجر به اضرار فردی به دیگری گردد، مورد امضای شارع، قرار نخواهد گرفت. در قوانین و حقوق موضوعه ایران، بیشتر حقوق دانان، قائل به جواز جبران آسیب شده‌اند (شهیدی، ۱۳۷۱: ۲۱۵). اما برخی دیگر، در این مساله به شدت بر صدق این عنوان بر آسیب‌های معنوی و یا قابلیت و امکان جبران آن، مخالفت کرده و بر این باورند که طبیعت آسیب‌های معنوی به نحوی است که به هیچ وجه، قابل جبران نمی‌باشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۲: ۵۹).

۳. دلایل مخالفین جواز مطالبه آسیب‌های معنوی

۱ - اشکال نظری: اولین دلیل در اینجا آن است که اصلاً امکان جبران در آسیب‌های معنوی به اشخاص، وجود ندارد (لورراسا، ۱۳۷۵: ۱۰۷). و صرف پرداخت غرامت، نمی‌تواند آن آسیب‌ها و تالعات روحی را از بین ببرد. به عنوان مثال؛ تالعات سوزناک مادری را که یگانه فرزند خود را از دست داده است، را چگونه می‌توان جبران نمود و یا با دادن ناچیزی مبلغی پول، آبروی از دست رفته انسان شرافتمندی را به او برگرداند؟

در پاسخ به اشکال (دلیل) اول می‌گوییم که اولاً، «چه بسا در برخی از مواقع، پرداخت پول به شخص زیان دیده، تمام یا بخشی از آسیب‌های معنوی وارده بر او را، جبران می‌کند. کما اینکه، زنی که زیبایی صورتش را در نتیجه حادثه ناگواری از دست داده است، می‌تواند با دریافت آن پول، به پزشک ماهری مراجعه نموده و وضع را به حالت قبل، در آورد» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۴۹). دوماً، صرف هدف مسئولیت مدنی از بین بردن ضرر نمی‌باشد. بلکه، هدف آن است که به فرد آسیب دیده، این امکان داده شود که اگر به دست آوردن عین آن چیز مقدور نیست، لا اقل بتواند معادل آنچه را که مورد آسیب، واقع شده است به دست آورد و بدینوسیله رضایت خاطرش فراهم شود. بنابراین، پرداخت مبلغی به عنوان خسارت اگر چه نمی‌تواند

غالباً این نوع آسیب‌ها را جبران کند، اما این کار، وسیله‌ای برای جلب تشفی متضرر و جبران بخشی از آن آسیب‌ها، می‌باشد.

۲ - اشکال کاربردی: دومین دلیلی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که تعیین میزان غرامت و نحوه پرداخت آن توسط قاضی، در مورد آسیب‌های معنوی، امری فوق العاده سخت است (لوراسا، ۱۳۷۵: ۱۰۷).

در جواب به اشکال (دلیل) دوم می‌گوییم اگر چه قاعده مشخصی برای تقویم آسیب‌های معنوی به پول وجود ندارد و در اینجا باید به حسب مورد، اوضاع و احوال آن مورد را در نظر گرفت و بررسی نمود لکن مشکل بودن اجرای یک اصل حقوقی، نباید مستمسکی برای فراموش کردن آن اصل گردد. از طرف دیگر، در آسیب‌های مادی نیز گاهی اوقات ممکن است تعیین میزان خسارت وارده، بسیار سخت باشد. آیا در این صورت هم می‌توانیم بگوییم که در چنین مواردی، عامل زیان از پرداخت آسیب‌های وارده، معاف است؟

۳ - اشکال اخلاقی: سومین دلیلی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که برخی می‌گویند: از منظر اخلاقی زیبنده نیست که افرادی که عواطف و احساسات آن‌ها خدشه دار شده است برای قیمت گذاری این دردها، به محاکم قضایی مراجعه کنند (البته این مورد، تنها مربوط به جریحه دار شدن احساسات می‌باشد). (لوراسا، ۱۳۷۵: ۱۰۸).

در جواب به اشکال (دلیل) سوم می‌گوییم اولاً، اگر اعتقاد به جبران آسیب‌های معنوی با حفظ قداست ارزش‌های معنوی و اخلاقی، ناسازگاری داشته باشد، عدم جبران و بدون مسئولیت انگاشتن عامل یا عاملان آن، نیز از لحاظ اخلاقی زیبنده نمی‌باشد و نتیجه اینکه این کار، موجب بی پرواتر شدن آنها و تجاوز بیشتر به ارزش‌های معنوی افراد می‌گردد. دوماً، طبق «قاعده میسور» باید تا آنجا که می‌شود آسیب‌های وارده جبران گردد گرچه، نمی‌توان همه آن آسیب‌ها و تالمات را جبران کرد. بعنوان مثال؛ زوجی که بی دلیل، نامزدی اش با یک زوجه را به هم می‌زند و موجبات آزرده‌گی روحی و هتک حیثیت خانواده زوجه را در جامعه فراهم می‌کند، طبق این قاعده، اگر چه در آسیب معنوی، خسارت وارده را نمی‌شود جبران کرد، اما

بهبتر آن است که با یکی از راه کارهای جبران آسیب، بخشی از دردها و رنج‌های فرد زیان دیده، کاسته گردد (طاهری، ۱۳۸۷: ۳۵۳).

۴. ضرورت تدارک آسیب‌های معنوی در عرف

از دیدگاه امام خمینی عرف در هر زمان و مکان می‌تواند تحقق پیدا کند و اگر از آن در شرع منعی نشده باشد، معتبر خواهد بود. ایشان، منشأ عنصر معنوی و نیروی الزام آور عرف را، با توجه به آزادی و اختیاری که خداوند متعال، برای اداره امور زندگی اجتماعی به انسان داده و با توجه به کارآمد بودن عرف، در اداره امورات جامعه، در ضرورت حفظ نظام می‌دانند و در این مورد می‌نویسند: «برای همه اعتبارات عقلایی، منشأ و مصلحت‌های مربوط به نظم و سازمان زندگی اجتماعی و مانند آن، وجود دارد» (امام خمینی، ۱۳۸۱: ۱۶۱). «روشن است که آنچه را خردمندان اعتبار می‌کنند، تنها به جهت هدف‌ها، نیازها و مصلحت‌های جامعه و زندگی اجتماعی است» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۱۰۵). «لذا می‌شود ادعا کرد که اعاده وضع به حالت سابق ممکن نیست. زیرا زمان به گذشته باز نمی‌گردد و ناگزیر، باید تا جایی که عرف می‌پذیرد، آسیب جبران گردد» (خدابخشی، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

طبق دیدگاه عده ای از فقهاء و حقوق دانان نحوه جبران آسیب‌های معنوی باید به گونه ای باشد که در عرف عقلاء، مفهوم جبران آسیب بر آن صدق نماید. «... باید بین راه‌های جبران و آسیب‌های وارده، سنخیت عرفی برقرار باشد، بنابراین، با توجه به متعلق آن، راه‌های پرداخت خسارت، متفاوت خواهد بود» (قاسم زاده، ۱۳۸۸: ۱۶۱). «در فقه نیز تعیین مصادیق ضرر و به تبع آن آسیب‌های معنوی، موکول به نظر عرف جامعه است» (نراقی، ۱۳۷۴: ۵۷).

امام خمینی معتقدند که: واژه عرف، یک واژه تاسیسی از طرف شارع نیست و شرع برای این واژه، تعریفی ارائه نکرده است، بلکه تعریف آن به خود عرف واگذار شده است ایشان عرف را همان «بنای عقلاء» می‌دانند و گاهی از عرف با واژه هایی همچون: «امور عقلائیه، امارات عقلائیه، طرق عقلائیه، بناء عقلا، عمل العقلا، و سیره عقلائیه» نام می‌برند و در تعریف آن

می‌فرمایند: «بنای عقلاء، فرایندی است که خردمندان، در امور زندگی و تصمیم‌گیری‌ها و اداره امور و معاملات خود، به آن عمل می‌کنند» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۳۴۰).

بنابراین، اگر قائل به عدم جبران آسیب‌های معنوی باشیم، در صورتی که عرف آن را ضرر تلقی می‌کند. اولاً، این خود حکمی ضرری است که به موجب قاعده لاضرر، نفی شده است. و ثانیاً، خسارت، چه به صورت مادی و چه به صورت معنوی، نوعی، ظلم است و از آنجا که عقل، ظلم را قبیح می‌شمارد و رفع ظلم را نیکو و پسندیده تلقی می‌کند، لذا جبران آن نیز به هر طریق ممکن، نزد عقل، پسندیده و امری نیکو خواهد بود. ثالثاً، عقلاء، در صورت ایجاد خطر مالی، بدنی یا لطمه به حیثیت و آبرو، عامل ضرر را مسئول جبران می‌دانند و شارع نیز آن را پذیرفته است و حتی اگر شارع سکوت کرده باشد، این سکوت و عدم ردع، کاشف از پذیرش و رضایت شارع بر جبران آن ضرر، می‌باشد.

۵. روش‌های جبران آسیب‌های معنوی

همانطور که بالاتر اشاره شد، جبران آسیب‌های وارده، به نحوی که وضعیت زیان دیده بطور کامل به حالت قبل خود بازگردد، ممکن نمی‌باشد. زیرا مثلاً مردی که بی دلیل، نامزدی اش با یک زوجه را به هم می‌زند و موجبات آزرده‌گی روحی و هتک حیثیت خانواده زوجه را در جامعه فراهم می‌کند، چگونه می‌تواند آسیب‌های معنوی وارده به این شخص و خانواده اش را طوری جبران کند که به حالت اولیه خود باز گردد؟

در بیشتر نظام‌های حقوقی، عمده‌ترین اهداف مسئولیت مدنی عبارت از جبران عینی، اعاده وضعیت به حالت قبل، جلب رضایت زیان دیده و ممانعت از تکرار ارتکاب چنین اعمالی توسط فاعل زیان و یا سایرین می‌باشد؛ آنچه به نظر می‌رسد در بیان این که نحوه جبران آسیب‌های معنوی چگونه باشد، باید در مساله، قائل به تفکیک شویم. به این صورت که بگوییم در برخی از آسیب‌های معنوی؛ ۱- پرداخت جریمه، الزامی باشد. ۲- در برخی دیگر، اعاده حیثیت فرد مورد حکم قرار گیرد. ۳- و در برخی موارد، هر دو مجازات لحاظ گردد.

یعنی هم پرداخت جریمه و هم اعاده حیثیت، انجام گیرد. به عنوان نمونه، اگر بر اثر فعل مجرمانه ای، شخصی زیبایی خود را از دست داده باشد، فرد مزبور می تواند به این خاطر (علاوه بر دریافت دیه) مبلغی را تحت عنوان خسارت معنوی مطالبه کند و آن را صرف هزینه های درمانی برای بهبود و بازگرداندن زیبایی خود نماید. اما گاهی شخص مجرم می بایست از طریق انتشار آگهی یا اعلامیه یا به هر نحوی که اقتضا می کند، اقدام به کسب اعتبار از دست رفته فرد مقابل نماید.

امروزه با مراجعه به عرف جامعه می فهمیم که غالباً بیشتر آسیب های وارده، با معیار مالی سنجیده می شود. البته این معیار به دلیل به دست آوردن «رضایت خاطر زیان دیده» می باشد. بنابراین، حتی در جبران ضرر بوسیله مال، آنچه ملاک و مهم است «رضایت خاطر زیان دیده» است. به همین جهت می توانیم به سراغ معیارهای غیرمالی نیز برویم. زیرا آنجا که ملاک جبران آسیب، رضایت و موافقت زیان دیده باشد، ممکن است برخی از افراد هیچ نیازی به جبران مالی نداشته باشند. که در این صورت، به دست آوردن رضایت و موافقت افراد غنی و بی نیاز، کار سختی می باشد. بنابراین، قانونگذار به سراغ موارد دیگری جهت جبران آسیب رفته است. یکی از حقوقدانان می نویسد: «در موردی ممکن است فقط پول راه گشا باشد و در مورد دیگر می توان به یک عذرخواهی ساده، اکتفا کرد» (پروین، ۱۳۸۰: ۱۸۵). «در جبران های غیر مالی از روش های متعددی استفاده می شود مثل حالتی که معلم از شاگرد خود در سرکلاس عذرخواهی می کند و همانند انتشار حکم محکومیت فاعل زیان، الزام به عذرخواهی در جرایم، توقف کار زیان بار و از بین بردن منبع ضرر» (مدنی، ۱۳۷۶: ۴/۳۸۲).

همچنین ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی به عنوان حکمی خاص، ناظر به قسمتی از آسیب های معنوی یعنی لطمه به حیثیت و اعتبار اشخاص می باشد و مقرر می دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد می شود، می تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی و معنوی خود را بخواهد. هرگاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید، دادگاه می تواند ... علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی، حکم به رفع زیان از

طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جرائد و امثال آن نماید».

در نصوص فقهی نیز مواردی یافت می‌شود که در آن به جبران آسیب‌های معنوی از راه مالی، حکم داده شده است، بدون اینکه به آن تصریح شده باشد. از باب نمونه؛ مادری که به ادعای داشتن وکالت از جانب پسرش، دختری را به عقد او در آورد و بعداً معلوم شود که اصلاً وکالتی نداشته و پسر نیز عقد را تنفیذ نکند، در فرض عدم دخول، مادر مکلف به دادن نصف مهر و بنا به قولی تمام مهر آن دختر می‌باشد (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۱۵۱/۵).

البته بر کسی مخفی و پوشیده نیست که در فقه اسلامی روش و قاعده مشخص و شناخته شده ای برای جبران آسیب‌های معنوی وجود ندارد اما در هیچ جای آن مخالفتی هم با شیوه‌های مختلف جبران ضرر و آسیب، وجود ندارد و همین عدم ردع شارع و قانونگذار دلیلی روشن بر قابل پذیرش بودن انواع روش‌های جبران خسارات وارده می‌باشد.

رایج‌ترین شیوه‌های جبران آسیب‌های معنوی عبارتند از:

۱- **از بین بردن منبع آسیب:** همانطور که بیان کردیم در ماجرای ثمره ابن جندب، پیامبر اسلام (ص) با دستور قطع درخت، در واقع، دستور قطع ماده فساد و منبع آسیب را صادر نمودند و این موجب تسلی خاطر شاکی و تنبیه زجرآوری برای متجاوز، محسوب گردید. «وقتی از عملی نهي می‌گردد، دلالت بر این است که بقای آن عمل، حرام است و باید منبع آن رفع شود، به بیان دیگر، رفع آسیب و ضرر، واجب است» (بجنوردی، ۱۴۱۰: ۲۱۹). ماده ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی نیز به نوعی قلع ماده فساد محسوب می‌گردد. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه مقامات قضائی یا دیگر مأمورین ذی صلاح، برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزائی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند، به انفصال دائم از سمت قضائی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.» در واقع این ماده اشاره به قاعده اقدام دارد که زیان زننده، بر علیه خود انجام داده است.

۲- **عذرخواهی شفاهی از آسیب دیده:** این نوع جبران آسیب‌های معنوی در صدمات کم

اهمیت، کاربرد بیشتری دارد و موجب رضایت خاطر فرد آسیب دیده می‌گردد. زیرا گاهی یک

عذر خواهی ساده، باعث آرامش و التیام روحی و روانی می‌گردد.

۳- **اعتذار کتبی و عملی یا درج مراتب عذر خواهی در جراید و روزنامه ها:** قانون مسئولیت مدنی در ماده ۱۰ مقرر می‌دارد: «کسی که به حیثیت و اعتبار او لطمه وارد شود، دادگاه می‌تواند ... حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید».

۴- **کسب رضایت از آسیب دیده به هر نحو ممکن:** همانند دلجویی کردن با ارسال هدیه از طرف آسیب زنده به آسیب دیده و یا واسطه قرار دادن ریش سفیدان و بزرگان و یا ارائه خدمات فنی و هنری جهت کسب رضایت.

۵- **پرداخت مال یا پول به آسیب دیده:** شاید بتوان گفت پرداخت مال یا پول جهت جبران آسیب‌های معنوی از شخصی که مثلاً بر اثر تصمیم قضایی دچار آسیب شده است، یکی از مؤثرترین وسیله ممکن، از بین راه‌های فوق می‌باشد. زیرا همانطور که اشاره شد گاهی اعتذار شفاهی یا کتبی کمتر می‌تواند باعث التیام صدمات روحی فرد آسیب دیده شود. امامی می‌نویسد: «چون محکومیت زیان زنده به پرداخت مبلغی، موجب تشفی و تسکین خاطر او (زیان دیده) می‌گردد و تنبیه مرتکب را نیز در پی دارد» (امامی، ۱۳۵۶: ۲۱).

۶. تقویم آسیب‌های معنوی به پول

یکی از بهترین روش‌های قابل پذیرش در تمامی نظام‌های حقوقی، پرداخت پول در ازای جبران آسیب‌های معنوی می‌باشد. «تخصیص مقداری پول برای کسی که دردهایی را تحمل می‌کند... همیشه آن نیست آن چه را که منهدم شده از نو بنا کنند، بلکه اغلب آن است که به آسیب دیده امکان داده شود تا معادل آنچه را که از دست داده به دست آورد و از این طریق، رضایت خاطرش فراهم شود» (فقیه نخجیری، ۱۳۵۱: ۸۶).

مواد ۱ تا ۳ قانون مسئولیت مدنی، ضمن تعمیم آسیب به آسیب مادی و معنوی، تشخیص میزان آسیب و طریقه و کیفیت جبران آن را با توجه به اوضاع و احوال، بر عهده محاکم قضایی

گذاشته است. ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی ایران (مصوب ۱۳۳۹ ش) را می‌توان صریح‌ترین موضع قانون‌گذار ایرانی در خصوص لزوم جبران مالی آسیب‌های معنوی تلقی نمود. در خصوص اینکه آسیب‌های وارده چگونه باید ارزیابی و قیمت‌گذاری شود، دو روش پیشنهاد می‌گردد:

اول: تعیین مبلغ مقطوع برای جبران هر یک از اقسام آسیب‌های معنوی؛ در این روش پیشنهاد می‌گردد مبلغی مقطوع و مشخص را برای اینگونه آسیب‌ها مشخص کنیم. مثلاً به ازای هر روزی را که شخص به اشتباه در زندان گذرانده فلان مبلغ ارزیابی می‌گردد و در صورت بروز اشتباه، با درخواست و در نظر گرفتن شرایط و وضعیت فرد آسیب دیده، قابل پرداخت به وی باشد. در صورت تعیین مبلغ مقطوع برای جبران آسیب‌های وارده، وکلا، قضات و حتی کارشناسان مربوطه به آسانی می‌توانند آسیب وارده را جبران نمایند و مشکل عدم پیش‌بینی درست و اختلاف آراء قضات نیز حل می‌گردد. زیرا اولاً: طرفین دعوا مایلند به صورت قطعی و روشن بدانند که حقوق و تکالیف آنها در مقابل یکدیگر چیست؟ و این امر با تعیین معادل پولی آسیب وارده، بهتر صورت می‌گیرد. ثانیاً: اجرای آن برای محاکم قضایی راحت‌تر و سریع‌تر است.

دوم: تعیین ملاک کلی جهت جبران آسیب‌های معنوی؛ روش دوم به این صورت است که کارشناسان خبره، آسیب‌های وارده را به صورت افقی و عمودی مشخص کنند و برای هر یک از آسیب‌ها پیش‌بینی‌های حداقلی و حداکثری مشخص گردد و با قرار دادن هر یک از آسیب‌ها در دسته بندی مختلف با توجه به کیفیت زندگی اجتماعی، شخصیت فردی، وضعیت خانوادگی و یا بر اساس توان جسمی و روحی و دیگر معیارهای شخصی، آن را در اختیار قاضی قرار دهند. مثلاً میزان درد و رنجی که با رفتن به زندان به جهت اشتباه قاضی برای یک استاد دانشگاه حاصل می‌گردد با فردی که از جایگاه اجتماعی پایین‌تری برخوردار است و تاثیر کمتری در شخصیت او دارد محاسبه شود و در هر یک از این دسته‌ها، قرار گیرد.

۷. مرجع تقویم آسیب‌های معنوی

یکی از راه‌های قابل قبول در تمامی نظام‌های حقوقی دنیا پرداخت مبلغی در ازای جبران آسیب‌های معنوی می‌باشد. بنابراین، ضرر و آسیب وارده باید به نوعی ارزیابی شود تا حتی الامکان بتوان آن را جبران نمود.

اما اینکه چه کسی مسئول ارزیابی و قیمت گذاری آسیب‌های وارده می‌باشد، موضوع بسیار مهمی است که در واقع می‌توان گفت که امکان اجرای جبران آسیب‌های معنوی تا حد زیادی بستگی به نحوه بررسی آن آسیب دارد، یعنی اگر ارزیابی و پایش میزان آسیب وارده عقلانی و منصفانه نباشد ممکن است آثار زیانباری را به دنبال داشته باشد.

در اینجا راهکارهایی برای تعیین مرجع رسیدگی و ارزیابی آسیب‌های معنوی از اشتباه و تصمیمات قضائی، وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- پایش و بررسی دقیق میزان آسیب وارده توسط دادگاه صالح: در این روش، تعیین میزان آسیب‌های وارده توسط قاضی دارای شایستگی‌های لازم و کارآمد، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. آنچه در این گونه سنجش‌ها به نظر می‌رسد این است که اگر از قضاتی که دارای تحصیلات و تجربه بالا و نگاه روانشناسی می‌باشند استفاده گردد، نتایج مطلوبی به دست خواهد آمد. زیرا تعیین میزان آسیب‌های معنوی برای فرد آسیب دیده، ظابطه و حد مشخصی ندارد و از عهده هر کسی بر نمی‌آید. که البته در حقوق و قوانین موضوعه کشور ما با استفاده از ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی در می‌یابیم که این مدل تعیین ارزیابی آسیب معنوی را بر عهده دادگاه صالح قرار داده است که محاکم قضائی ما باید با توجه به اوضاع و احوال شخص، موضوع را بررسی و با در نظر گرفتن جوانب انصاف، میزان آسیب را مشخص نماید.

۲- مشخص نمودن تعرفه آسیب‌های وارده توسط کارشناس مربوطه: برای میزان آسیب‌های معنوی وارد شده، تعرفه‌هایی از قبل تعیین شده توسط کارشناسان مربوطه و اهل فن، مقرر شود و در آن، آسیب‌های وارده به افراد، دسته بندی گردیده و در اختیار قضات قرار

گیرد تا در صورت ورود هرگونه آسیب معنوی به فرد، با توجه به اینکه آسیب وارده جزو کدام دسته از آسیب‌ها (مادی، معنوی) قرار می‌گیرد، مشخص شود و به تناسب آن، جبران گردد.

۳- مصالحه یا پیشنهاد توافقی: راهکار سوم این است که اگر به فردی، آسیب معنوی وارد

گردد، فرد مزبور باید به محاکم قضائی مراجعه نماید و دادگاه صالح، منصفانه به خواست شخص آسیب دیده توجه کرده و با تلاش و جدیت، در جهت جلب رضایتمندی او به نحوی شایسته و متعارف، آسیب وارده را مشخص، جبران و پرداخت نماید. ناگفته نماند، برای اینکه از معایب هر کدام از راهکارهای بالا در امان بود، می‌توان از تمامی این راهکارها بهره گرفت و منحصر در یک روش نماند و اگر یکی از این راهکارها مناسب بود از همان راهکار استفاده گردد و در غیر این صورت، برای سنجش دقیق تر می‌توان حتی از دو یا سه راهکار بطور همزمان، استفاده شود.

نتیجه گیری

امام خمینی «لا» در قاعده لا ضرر را در مفهوم نهی (ولی در غیر احکام الهی) می‌گیرند؛ یعنی نهی را ناشی از حکم الهی نمی‌دانند، بلکه این گونه نهی را از پیامبر اسلام (ص) در مقام اجراء و حکومت که از احکام ثانویه است تلقی می‌کنند. طبق دیدگاه ایشان، پیامبر اسلام (ص) با بیان جمله «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»، وجود آسیب و ضرر را در محیط تشریح، معدوم اعلام کرده و بنابراین، همان طور که کلام پیامبر اسلام (ص) حکایت از مرحله انشای قوانین دارد، در مرحله اجراء یعنی در موارد خاص روابط اجتماعی مردم با یکدیگر نیز چنانچه عملی منجر به ضرر و آسیب فردی به دیگری گردد، ممضی شارع، قرار نخواهد گرفت. یعنی جمله پیامبر اسلام (ص)، هم می‌رساند که خداوند متعال، در مقام تشریح اولیه احکام اسلام، هیچ حکم ضرری وضع نکرده است، و هم می‌رساند که چنانچه حکمی از احکام الهی که از نظر کلی و نوعی ضرری نیست، در مقام اجراء برای فردی از افراد مسلمان ضرری باشد، به طور موردی مرتفع می‌گردد.

بنابراین، اولاً: رعایت عدالت و اصول انصاف حقوقی، اقتضاء دارد همان طور که اشخاص حقیقی (مطابق قاعده لا ضرر) اگر آسیب و زیانی وارد آورند متحمل پرداخت خسارت می‌شوند، در مورد اشخاص حقوقی، اعم از حاکمیتی و حکومتی و شرکت‌ها و مؤسسات نیز در صورت ورود آسیب و ضرر به دیگری، باید جبران شود. لذا اگر قواعد ناظر بر مسئولیت دولت و مؤسسات عمومی و اشخاص، دارای ابهام و اجمال و یا فاقد نص قانونی باشد باید اصلاح گردد.

ثانیاً: باید راه‌های جبران آسیب توسط حاکمیت، ممکن و سهل الوصول باشد و در پیچ و خم فقدان یا ابهام قانون، حق کسی پایمال نگردد. عدم توجه به مسئولیت مسببین و عدم جبران آسیب‌های وارده از سوی مسئولین و مقصرین، موجب پدید آمدن مشکلات و آسیب‌های بسیاری برای خانواده‌های متوفی و جامعه گردیده است. و این امر موجب بروز نارضایتی و دلسردی گسترده از دوائر حکومتی شده و از طرفی، مشکلات این قبیل خانواده‌ها خود بستر بروز مشکلات و موجبات جرائم دیگر را در جامعه فراهم نموده است و حتی گاهی باعث ایجاد جریحه دار شدن احساسات عمومی شده است و از فرد آسیب دیده، مجرم دیگری ساخته است.

از آنجا که مسئولیت معنوی، شامل هرگونه صدمه به منافع عاطفی و غیر مالی همانند احساس درد جسمی و آلام عمیق روحی، از بین رفتن آبرو و حیثیت و آزادی و هر حق دیگر می‌باشد، لذا اگر به عمد یا اشتباه، حیثیت و اعتبار فردی آسیب ببیند و یا درد و رنج روحی و روانی بر او وارد گردد، عامل آسیب زننده باید آن را جبران نماید. به عنوان مثال اگر شخصی در اثر تصمیم اشتباه محاکم قضایی روانه زندان گردد و در زندان از ناراحتی و غصه، دق کند و بمیرد سپس بی گناهی او ثابت شود، و یا اگر افرادی دختری را ربوده و در جایی حبس کنند و او در حبس بمیرد، درد و رنج و لطمه حیثیتی و کسر اعتبار و آبرو که به او و خانواده اش وارد شده را نباید بدون جبران رها کرد و در قوانین قضایی باید برای جبران این گونه آسیب‌ها راهی پیش پای مجریان امر گذاشته شود و این نقص و ابهام، باید مرتفع گردد.

همانطور که در این تحقیق بیان شد، خوشبختانه آسیب‌های معنوی، در قوانین موضوعه در کشور ما قابل پیگیری و جبران است. با وضع ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری که در سال ۱۹۹۹ به تصویب رسید، قابل جبران بودن آسیب‌های معنوی، صراحتاً مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است. البته ناگفته نماند قیمت گذاری و میزان سنجش آسیب معنوی که بر افراد وارد می‌گردد، همیشه به عنوان چالشی پیش روی قضات قرار داشته است و هیچ راهکاری وجود ندارد که بتواند مقدار واقعی درد و رنج ناشی از آسیب در آن را اندازه گیری و قیمت گذاری نماید. برای جبران آسیب‌های معنوی راهکارهای مختلف مالی و غیرمالی را می‌توان ارائه داد. بدین صورت که گاهی از طریق عذرخواهی (شفاهی و کتبی) و یا از طریق جبران آسیب با مال و پرداخت پول و گاهی نیز با از بین بردن ماده فساد و منبسط آسیب، جبران می‌گردد. بنابراین، مسئولیت ایجاد یک قانون مدون و مشخص در این زمینه، بر عهده قوه مقننه می‌باشد که توسط کمیسیون حقوقی و دعوت از حقوق دانان خبره و کارشناسان متولی امر، تدوین و نگارش می‌شود و غیر از قوه قضاییه، قوه مجریه نیز می‌تواند این درخواست را از قوه مقننه داشته باشد. زیرا فقدان چنین قوانینی در جامعه اسلامی می‌تواند نقض آشکار در نادیده گرفتن حق شهروندی مسلمانان باشد.

همچنین، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در بررسی ضوابط راجع به آسیب‌های معنوی، با تصویب دو لایحه قانونی آیین دادرسی کیفری و آیین دادرسی مدنی، و پیش بینی موادی گویا و جامع، کاستی‌های موجود را پر نماید و با ایجاد رویه قضایی مستحکم و استوار، پذیرای درخواست‌های مکرر در ارتباط با آسیب‌های معنوی در محاکم قضایی باشد و زمینه احقاق حق مطلوب آحاد جامعه را فراهم سازد. با توجه به مشکل بودن میزان تعیین آسیب‌های ناشی از درد و رنج آسیب معنوی، پیشنهاد می‌شود گروهی متشکل از کارشناسان خبره شامل قضات دادگستری، حقوقدانان برجسته، روانشناسان متعهد و نمایندگان بیمه (اقدام به قیمت گذاری برخی از آسیب‌های وارده متناسب با عرف نمایند تا در صورت ورود آسیب‌های معنوی به افراد، بتوان به آن مراجعه نمود تا به بهترین روش ممکن، آسیب‌های وارده، جبران

گردد. در این صورت، قضات، وکلا و حتی کارشناسان مربوطه به آسانی می‌توانند آسیب وارده را مشخص و جبران نمایند و مشکلات فراوان قضات محترم در تصمیمات قضایی در این زمینه، حل خواهد شد.

منابع:

قرآن کریم

- امامی، سید حسن، (۱۳۷۸ ش)، **حقوق مدنی**، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، چاپ بیستم.
- بجنوردی، حسن، (۱۴۱۰ ق)، **القواعد الفقهیه**، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ دوم.
- پروین، فرهاد، (۱۳۸۰ ش)، **خسارات معنوی در حقوق ایران**، تهران: نشر ققنوس.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۸ ش)، **ترمیمولوژی حقوق**، تهران: گنج دانش.
- حر عاملی، محمد ابن حسن، (۱۳۸۸ ق)، **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۲)، **تحریر الوسیله**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۲)، **بدایع الدرر فی قاعده النفی الضرر**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۲)، **انوار الهدایه فی التعلیقه علی الکفایه**، ج ۱، تهران: مؤسسه نشر امام خمینی (ره).
- خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۱)، **المکاسب المحرمه**، ج ۱، قم: انتشارات مهر.
- خدابخشی، حسن، آیتی، سید محمدرضا، عربیان، اصغر، (۱۳۹۸)، **بازشناسی مفهومی ضمان و اقسام آن در فقه اسلامی**، مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۲.

- دهخدا، علی اکبر، (۱۹۸۴)، **لغت نامه دهخدا**، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، دوره جدید، چاپ دوم.
- رشتی، میرزا حبیب‌الله، (۱۴۰۱ ق)، **کتاب القضاء**، قم: انتشارات دار القرآن الکریم.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۴۱۰)، **الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة**، قم: کتابفرشی داوری، چاپ اول.
- طاهری، حبیب‌الله، (۱۳۸۷)، **قواعد فقه**، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۲ ش)، **موجبات ضمان**، تهران: نشر میزان.
- فقیه نخجیری، حسن، (۱۳۵۱ ش)، **دعوی خصوصی در دادگاه جزا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاسم زاده، مرتضی، (۱۳۸۸ ش)، **الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد**، تهران: نشر میزان، چاپ هشتم.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶ ش)، **مسئولیت مدنی و ضمان قهری**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶ ش)، **الزامهای خارج از قرارداد**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم.
- لورراسا، میشل، (۱۳۷۶)، **مسئولیت مدنی**، تهران: انتشارات حقوقدان، چاپ اول.
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۳)، **قواعد فقه**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۵)، **جزوه درسی نظریه خسارت در فقه**، قم: مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب.
- مدنی، سید جلال‌الدین، (۱۳۷۶ ش)، **حقوق اساسی**، تهران: انتشارات سروش.
- نجم جیران، یوسف، (۱۹۸۱ م)، **القانون و الجرم والنظریه العامه للموجبات**، بیروت: منشورات عویدات، چاپ دوم.

- نراقی، احمد بن محمد، (۱۳۷۵)، **عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام**، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.
- نقیب، عاطف، (۱۹۸۴)، **النظریه العامه للمسئولیه الناشئه عن الفعل الشخصی**، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- نقیبی، سید ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، **خسارت معنوی در حقوق اسلام**، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ اول.